

## بررسی تطبیقی مضامین منظومه غنایی «هشت بهشت» امیر خسرو دهلوی و «جواهر الأسمار» الثغری

آسیه ذبیح نیا عمران\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۸

### چکیده

امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ش) از عارفان نامدار پارسی‌گوی هندوستان، در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. او در مثنوی‌سرایی تابع نظامی گنجوی است. یکی از مثنوی‌های امیر خسرو که به تقلید از «هفت پیکر» نظامی سروده منظومه «هشت بهشت» است. او در تدوین حکایات «هشت بهشت» به کتاب «جواهر الأسمار» عماد بن محمد الثغری نظر داشته است. امیر خسرو چند حکایت «هشت بهشت» را از کتاب «جواهر الأسمار» عیناً نقل کرده و حتی در بخش‌های زیادی از متن «هشت بهشت»، عبارات و جملات این اثر را وام گرفته و اقتباس کرده است. کتاب «جواهر الأسمار» مشتمل بر یکصد حکایت است که طی پنجاه و دو شب از زبان طوطی بازگو می‌شود تا زن جوان بازرگانی را از خیانت به شوهر باز دارد. اکثر حکایات و افسانه‌های «جواهر الأسمار» و «هشت بهشت» بر مکر زنان استوار است. بخشی از درونمایه حکایات هر دو اثر پیمان‌شکنی زنان و تظاهر آنان به ستر و صلاح است. با توجه به اینکه کتاب «جواهر الأسمار» یکی از مهم‌ترین الگوهای کار امیر خسرو در «هشت بهشت» بوده و اینکه هر دو اثر در هند تدوین شده‌اند وجوه مشترک بسیاری با هم دارند. مقاله حاضر می‌کوشد به بررسی مضامین مشترک هر دو اثر غنایی بپردازد.

**کلیدواژگان:** جواهر الأسمار، الثغری، امیر خسرو دهلوی، هشت بهشت.

## مقدمه

تطبیق در ادبیات میان ملت‌ها برای کشف مناسبت‌های فکری و هنری و داد و ستدهای فرهنگی در عصر حاضر ضرورتی انکارناپذیر است و چه بسا به تقویت مناسبات فرهنگی و روابط فکری ملل کمک کند. اگر توجه داشته باشیم که واقعه مهم دنیای مدرن، «ظهور ناگهانی مثلث دهشتناک هویت، فرهنگ و ارتباطات است» (ولتون، ۱۳۸۷: ۳). ادبیات تطبیقی یا ادب تطبیقی که در زبان عربی آن را «الأدب المقارن» (غنیمی هلال، ۱۳۸۲: ۳۱) گویند به بررسی «تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط پیچیده آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر در حوزه‌های هنر، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها، افراد و... می‌پردازد» (کفافی، ۱۳۸۲: ۴۲). نیز گفته شده است که «ادب تطبیقی در واقع عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف» (زرین‌کوب، ۱۳۵۴: ۱۲۷). در حقیقت، نقد تطبیقی مطالعه‌ای بین فرهنگی است و از طریق آثار ادبی که بهترین نماد و نمود هر حوزه تمدنی است، انجام می‌پذیرد.

بنابراین، اگر مقایسه و تطبیقی بین میراث ادبی دو قوم انجام گیرد، لزوماً باید برخوردی فرهنگی بین دو تمدن در گذشته یا حال وجود داشته باشد. این برخورد می‌تواند در اثر روابط جغرافیایی، تاریخی و یا حتی تسلط نظامی ایجاد شده باشد. مثلاً مناسبات فرهنگی عمیقی که بین ایران و هند و اعراب و کشورهای آسیای میانه وجود دارد و یا ارتباط تمدنی بین یونان و روم و اروپا و آمریکا باعث شده است که آثار ادبی مشابهی در این جوامع آفریده شود. کشف رمز و راز این همانندی‌ها و داد و ستدها بر عهده نقد تطبیقی است. این ارتباط فرهنگی بین اقوام و ملل می‌تواند موجب خلق اسطوره‌های مشابه و روایت‌های همگون از داستان حیات بشری گردد و رسوخ این عوامل در شعر و نثر زمینه‌ای برای پیدایش ادبیات تطبیقی است. در ذیل مفهوم ادبیات تطبیقی، مفاهیمی چون «ادبیات شفاهی تطبیقی» یعنی بررسی ادبیات شفاهی، به ویژه انتقال سینه به سینه داستان‌ها، افسانه‌ها، سرودهای ملی و «ادبیات فولکلوریک» و مفهوم «تأثیر و تأثر» (آذر، ۱۳۸۷: ۲۶، ۲۰) مطرح است. آثار ادبی به عنوان منابع ارزشمندی به شمار می‌آیند که در عرصه‌های گوناگون هنری جلوه‌های مختلفی پیدا

می‌کنند و هنرمندان خلاق با بهره‌گیری از این منابع می‌توانند موجب افزایش غنای آثار خود شوند. در متون بلاغی، بهره‌گیری از دیگر آثار را اقتباس می‌نامند. هرچند تمایزاتی میان آنچه در علم بدیع، اقتباس نامیده می‌شود و اقتباس از متون ادبی در دیگر گونه‌های هنر وجود دارد. اقتباس در معنای ادبی آن گرفتن بخشی از یک متن و آوردن آن در میان متن دیگر است که ممکن است به صورت کامل و یا با دخل و تصرف صورت گیرد (همایی، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

یکی از این اقتباسات ادبی که موضوع مقاله حاضر است، نقد و بررسی میزان تاثیرپذیری امیرخسرو دهلوی از «جواهر الأسمار» الثغری است. امیرخسرو دهلوی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در دو ادبیات عظیم مشرق، یعنی فارسی و هندی محسوب می‌شود. این شاعر نامدار در حوزه ادب به مقام و مرتبه ویژه‌ای رسید که تالو آموزه‌های ادبی، حکمی و عرفانی در اشعار او کاملاً آشکار است. «او این آموزه‌ها را با بهره‌گیری از آثار استادان نامدار ادب فارسی به ویژه سعدی، نظامی، سنایی و خاقانی در اوج فصاحت و شیوایی عرضه می‌دارد» (اخگرحیدرآبادی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

امیرخسرو به "سعدی هند" معروف بود. او در اوایل حال به «سلطانی» و سپس به «طوطی» تخلص می‌کرد. وی یکی از پرکارترین شاعران پارسی‌گوی است (صفا، ۱۳۶۹: ۷۸۰). عماد بن محمد الثغری، از نویسندگان قرن هشتم هجری و از منشیان زمان سلطان علاء الدین خلجی است. کتاب «جواهر الأسمار» وی افسانه‌ای غنایی است که به زبان تمثیلی و با نثری ساده نوشته شده است. مقاله حاضر می‌کوشد به بررسی همسانی حکایات منظومه «هشت بهشت» امیرخسرو و «جواهر الأسمار» الثغری بپردازد.

مقاله حاضر در فحوای بحث به سؤال زیر پاسخ می‌دهد:

- مهم‌ترین همانندی محتوایی منظومه «هشت بهشت» امیرخسرو دهلوی و «جواهر الأسمار» الثغری کدام است؟

### پیشینه تحقیق

برخی از آثاری که درباره شعر امیرخسرو منتشر شده به ترتیب سال نشر، به شرح زیر است:

نفیسی در سال ۱۳۰۸، مقاله‌ای را با عنوان «امیرخسرو دهلوی» در مجله ارمغان منتشر ساخت. خلیل در سال ۱۳۲۳، مقاله‌ای را با عنوان «امیرخسرو بلخی مشهور به دهلوی» در مجله آریانا چاپ کردند. معین در سال ۱۳۳۱، مقاله‌ای را با عنوان «امیرخسرو دهلوی» در مجله تحقیقات تاریخی منتشر ساختند. زرین‌کوب در سال ۱۳۵۴، مقاله‌ای را با عنوان «امیرخسرو دهلوی» در مجله تحقیقات ادبیات و زبان‌ها منتشر ساخت. محجوب در سال ۱۳۵۷، مقاله‌ای را تحت عنوان «هشت بهشت و هفت پیکر» در نشریه ایران نامه چاپ کرد. او در مقاله مذکور، ضمن بررسی «هفت پیکر» نظامی و برتری‌های این منظومه بر «هشت بهشت»/امیرخسرو می‌کوشد تا تفضیل داستان‌سرایی نظامی گنجه‌ای را بر «هشت بهشت» به اثبات برساند.

مجتبایی در سال ۱۳۶۴ مقاله‌ای را با عنوان «حافظ و خسرو» در مجله آینده چاپ کردند. مقاله مذکور به بررسی همسانی غزلیات حافظ و امیرخسرو دهلوی می‌پردازد.

ریاض در سال ۱۳۶۶ مقاله‌ای را با عنوان «دیباچه دواوین امیرخسرو دهلوی» در مجله دانش اسلام آباد منتشر ساخت. یدی و وفایی در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای را با عنوان «ریخت‌شناسی و عناصر زینتی-عرفانی اشعار امیرخسرو دهلوی» در مجله زیبایی شناسی ادبی منتشر ساختند. ناصح و یزدانی در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای را با عنوان «حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الأنوار امیرخسرو» در نشریه ادبیات تعلیمی دهقان منتشر ساختند. بهروز در سال ۱۳۹۳، مقاله‌ای را با عنوان «پدیدارشناسی غنا در اشعار نظامی و امیرخسرو(با تکیه بر منظومه لیلی و مجنون)» در نشریه فنون ادبی چاپ کرد. یاری و سلیمانیان در سال ۱۳۹۵، مقاله‌ای را عنوان «جایگاه امیرخسرو در تاریخ‌نگاری هند» در پژوهشنامه تاریخ اسلام منتشر ساختند.

همانگونه که از عناوین مقالات فوق پیداست اغلب آن‌ها به شرح زندگی/امیرخسرو و معرفی وی پرداختند و کم‌تر اشعار او تحلیل شده، لذا ضرورت دارد تا اشعار او مورد بررسی قرار گیرد.

درباره کتاب «جواهر الأسمار» تا کنون چند مقاله نوشته شده، که به شرح زیر است: در سال ۱۳۹۴، ذبیح‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «مأخذ داستان‌ها و افسانه‌های جواهر الأسمار» که در پژوهش ادبی و بلاغی منتشر شد به مأخذ شناسی حکایات اثر مذکور

پرداختند. همچنین در سال ۱۳۹۵ از همین نویسنده مقاله‌ای با عنوان «پیکرگردانی در افسانه‌های جواهر الأسمار» در نشریه فرهنگ و ادبیات عامه منتشر شد. در سال ۱۳۹۵، ذبیح‌نیا، مقاله‌ای با عنوان «شرایط عشق و صفات عاشق و معشوق در جواهر الأسمار» در نشریه ادب غنایی چاپ کرد. همانگونه که از عناوین مقالات پیداست تا کنون همسانی مضامین حکایات منظومه غنایی «هشت بهشت»/امیر خسرو دهلوی و «جواهر الأسمار»/الثغری مورد بررسی قرار نگرفت و مقاله حاضر تلاش دارد تا بدین امر مهم بپردازد.

### داستان جواهر الأسمار (طوطی نامه)

کتاب «جواهر الأسمار» از محمد بن عماد الثغری، از نویسندگان قرن هشتم هجری است. درونمایه اصلی کتاب «جواهر الأسمار» «مکر» زنان است. «اصل سنسکریت کتاب جواهر الأسمار، سوکه سپنتاتی است. (Suke) به معنی طوطی و (Saptati) به معنای هفتاد است» (آل احمد، ۱۳۶۵: ۵۲). روایت مفصل‌تر این مجموعه دو بار در آغاز قرن هشتم هجری در هند به فارسی درآمد. بار اول به دست عماد بن محمد الثغری که از منشیان زمان سلطان علاء الدین خلجی (۱۲۹۶-۱۳۱۶م) به نام «جواهر الأسمار» و بار دوم به دست ضیاء الدین نخشبی به نام «طوطی نامه». البته محجوب معتقد است که ضیاء نخشبی «کتاب چهل طوطی را اولین بار از سنسکریت به فارسی ترجمه کرد» (محجوب، ۱۳۸۲: ۴۶۰). داستان‌های این کتاب به این دلیل که بخشی از آن‌ها از پنجانترا گرفته شده، با برخی از داستان‌های کلیله و دمنه همانند است، مؤلف جواهر الأسمار برخی از آن‌ها را حذف کرده است (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۱۷). «نثر کتاب سلیس و نسبتاً روان است» (نبی‌لو و اکبری، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

ملک الشعراء بهار هم نثر کتاب «جواهر الأسمار» را در زمره نثرهای ساده هندی می‌آورد (بهار، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۵۹). خلاصه داستان «جواهر الأسمار» به شرح زیر است: بازرگان زاده‌ای به نام «صاعد» که در تجارت شکست خورده، روزی در بازار طوطی‌ای را می‌بیند که قیمت آن معادل سرمایه اوست. طوطی سخندان که پیشگو نیز هست، صاعد را آگاه می‌کند که بعد از سه روز ثروتمند می‌شود. پیشگویی طوطی به وقوع می‌پیوندد و صاعد سه روزه پولدار می‌شود. طوطی را می‌خرد و برای او جفتی «شارک»

نام به خانه می‌آورد. بازرگان به سفر تجاری می‌رود و در غیاب او همسر جوانش «ماه شکر» با شاهزاده‌ای طرح دوستی می‌ریزد. در آغاز امر طوطی ماده «شارک» با زبانی خشن و سخنانی تند در صدد اندرز به ماه شکر برمی‌آید. نصیحت طوطی بر ماه شکر گران می‌آید او شارک را می‌کشد. اما طوطی نر که چرب زبان و داناست هر شب که ماه شکر را می‌بیند با نیرنگ، خود را همراه، هم‌فکر و هم‌زبان وی قلمداد می‌کند و او را ترغیب به رفتن می‌کند! اما با حکایتی شیرین و جذاب که تا صبح ادامه می‌یابد، عملاً مانع رفتن وی می‌شود. این حکایت‌ها ۵۲ شب به طول می‌انجامد تا اینکه صاعد از سفر بازمی‌گردد و زن را به عقوبت می‌رساند (الثغری، ۱۳۸۵: خلاصه کل اثر).

### منظومه غنایی هشت بهشت

/میرخسرو منظومه «هشت بهشت» را به سال ۷۰۱ ق در ۳۳۵۲ بیت سرود. مضمون این مثنوی، در موضوع عشق بهرام‌گور با دلارام است. به روایت /میرخسرو بهرام، کنیزی چینی به نام دلارام دارد که در شکار همراه اوست. روزی در شکارگاه دسته‌ای آهو پدیدار می‌شود. دلارام از بهرام می‌خواهد چنان تیر بر آهوان زند که نر ماده و ماده نر شود و شاه بی‌درنگ چنین می‌کند. دلارام این شیرین‌کاری بهرام را جادویی می‌داند نه هنرمندی. بهرام خشمگین، دلارام را در بیابانی بی آب و علف تنها می‌گذارد. دلارام افتان و خیزان به کشتزاری می‌رسد که خانه دهقانی هنرمند، موسیقی‌دان و گوشه‌گیر است و دلارام نیز با آموزش موسیقی از دهقان چنان می‌کند که در شکار، آهوان رام او شده و با نوای او به خواب می‌روند. آوازه هنرمندی او در آفاق می‌پیچد و به گوش بهرام می‌رسد و...؛ قسمت دوم کتاب «هشت بهشت»، داستان هفت گنبد است. عتت ساخته شدن قصر، بازداشتن بهرام از شکار و صحراگردی است که تزلزل امور کشوری را به دنبال دارد؛ پس هفت گنبد می‌سازند تا توجه بهرام را به زیبارویان آنجا معطوف دارند و اتفاقاً این چاره‌اندیشی کارگر می‌افتد. در روایت /میرخسرو روز شنبه در بهشت دوم، گنبدمشکین، غزاله هندی داستان سه شاهزاده را که برای تجربه سفر می‌کنند، بیان می‌کند و جریان ساربان‌ی که شتر گم کرده است به میان می‌آید. او روز یکشنبه را در بهشت سوم و گنبد زعفرانی می‌گذراند، و به داستان حسن زرگر گوش می‌سپارد. بهرام، روز دوشنبه در بهشت چهارم، در گنبد

ریحانی به سر می‌برد، و ماهروی گنبد سبز رنگ، داستان مسافر هندی را برایش تعریف می‌کند که قادر به نقل روح از کالبدی به کالبد دیگر است. او روز سه شنبه را با گل‌عذار تاتاری و در بهشت پنجم است، و به داستان پنج دوست هنرمند را که هم‌سفر می‌شوند گوش می‌کند. پنجمین داستان را دختر اقلیم چهارم در روز سه شنبه و در گنبد سرخ نقل می‌کند که افسانه دختر شاه رومی و شاهزاده نیکنام است. روز چهارشنبه در بهشت ششم و گنبد بنفشه‌ای، نوبت آهوی رومی است تا داستان پسر بازرگانی را که به جهانگردی علاقه‌مند است، تعریف کند. داستان ششم (بهشت هفتم) را در گنبد صندلی و معشوق صندلی اندام، بیان می‌کند. در روایت/امیر خسرو آخرین داستان «هشت بهشت» را روز جمعه، در بهشت هشتم و گنبد کافوری، زیباروی خوارزمی نقل می‌کند. پایان «هشت بهشت» نیز مرگ بهرام است با این تفاوت که به جای غیب در غار، در چاهی ژرف فرو می‌رود (امیر خسرو، ۱۳۹۰: تلخیص از کل کتاب).

#### همسانی مضامین حکایات هشت بهشت امیر خسرو دهلوی و جواهر الأسمار

قصه‌های زنجیره‌ای «جواهر الأسمار» که با شگرد قصه در قصه نوشته شده، از قصه‌های بهم پیوسته و گاهی نیز به تمامی جداگانه است که در شب‌های پیاپی از زبان راوی (طوطی) بازگو می‌شود. شمار قصه‌ها بر خلاف عنوان فرعی کتاب، به ۴۰ قصه نمی‌رسد، که «طوطی»، ۱۰۰ داستان را به مدت ۵۲ شب نقل می‌کند. غالب این داستان‌ها و افسانه‌ها به نوعی در طول همان داستان اصلی بیان می‌شوند و از نظر محتوایی نزدیک به آن است. برخی از مضامین و محتوای داستان‌های «جواهر الأسمار» عیناً در کتاب «هشت بهشت» دیده شده یا قابل تطبیق با کلمات و عبارات/امیر خسرو دهلوی است. این می‌تواند از باب «تأثیر» یا اقتباس باشد. مهم‌ترین و بارزترین مختصه افسانه‌های «جواهر الأسمار»، تکرار یک بن‌مایه در نقل داستان‌های گوناگون است. در این گونه از داستان‌ها، گویی یک طرح اولیه مشابه و یکسانی که همان نیرنگ و مکر باشد، می‌توان یافت. «یک طرح اولیه را می‌توان با تعداد زیادی طرح روایی بیان کرد» (برتنس، ۱۳۸۴: ۴۹). «جواهر الأسمار» و داستان‌های متعدد و پر شاخ و برگ آن از نظر موضوعی همسانی نزدیکی با «هشت بهشت» دارد. هدف از تدوین مقاله حاضر آن است که اهم همسانی روایات «جواهر الأسمار» و «هشت بهشت» بررسی و تبیین شود.

### تأکید بر رازداری، زیان افشای سرّ و وفای به عهد

در کتاب «جواهر الأسمار»، طوطی در افسانه شب نهم به «ماه شکر» توصیه می‌کند که رازی را که در دل مکتوم است و یا سرّی که در ضمیر مخفی بود، آن را بیرون ندهی و به هیچ‌گون نگشایی؛ و به قدر امکان نهان داری و در کتمان آن مبالغت فرمایی. زیرا که

با دوست مگو راز اگر بتوانی      با دشمن خود چه حاجتست می‌دانی  
روزی باشد که دوست دشمن گردد      و آنگاه ز گفته‌های خود درمانی  
(الشغری، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

در پایان افسانه شب نهم، طوطی افشای راز را مختص زنان می‌داند و با تعریض و گوشه و کنایه از «ماه شکر» می‌خواهد که او به مانند شخصیت زن افسانه، راز را شایع نسازد.

/امیرخسرو، در بهشت سوّم، داستان حسن زرگر را نقل می‌کند که محور عمده داستان، پرهیز از رازگویی با زنان است. در آغاز داستان، زن تلاش دارد تا با وسوسه مرد را به افشای سرّ تحریض کند:

زن بدو گفت کآنچه از دل خویش      بازپوشی ز خلق حاصل خویش  
لیک احوال خود بخاموشی      با که گویی اگر زمن پوشی  
خواجه کورا زبون فرمان بود      راز پوشیدنش نه آسان بود  
زن وثیقت نمود و پیمان بست      که نیارد بقفل راز شکست  
(امیرخسرو، ۱۹۷۲: ۴۲۸)

همانگونه که از ابیات بالا پیداست /امیرخسرو بر رازداری تأکید دارد. البته در داستان حسن زرگر، او با بر ملا کردن راز خود بر «زن» گرفتار بلای فراوان می‌شود که قابل جبران نیست.

دهلوی، در بهشت چهارم، داستان مسافر هندی را تعریف می‌کند که زمینه اصلی داستان، زیان افشای راز است:

چون خود از دل برون فکندی راز      تیر کز شست رفت ناید باز  
(امیرخسرو، ۱۳۶۲: ۶۵۹)



رازداری و افشا نکردن اسرار از موضوعات اخلاقی مورد علاقه/امیرخسرو در منظومه «هشت بهشت» است. /امیرخسرو افشای راز را همچون رها کردن تیر می‌داند که هرگز به کمان برنمی‌گردد، پس باید در نگه‌داری آن مراقبت و محاظت کرد.

الثغری می‌گوید که افشای راز تأسف به همراه دارد، اگر راز را بر ملا سازی، افسوس می‌خوری. پس در رازداری بکوش: «تا... تأسف و اندوه نخوری...» (همان: ۶۵۹).

در کتاب «جواهر الأسمار»، طوطی در افسانه شب بیست و یکم روایت می‌کند که «رایی» در اقصای سومنات بود و زنی به نام «نازچهر» داشت... نازچهر در نزد همسرش مدعی بود که «این گل را با چشم مردم تشبیهی تمام است؛ و نمی‌شاید که بجز چشم رای، دیده دیگری، محرم جمال من شود!» (الثغری، ۱۳۸۵: ۲۷۳) در حالی که در نهان با غلام زنگی رابطه نامشروع داشت!...

دروغ و مکر «نازچهر» حتی «مرغ مسمن» را به قهقهه وامی‌دارد:

«نازچهر چون این سخن بگفت، مرغ مسمن که بر طبق بود قهقهه‌ای

بنمود...» (الثغری، ۱۳۸۵: ۲۷۳).

حکایت فوق عیناً در «هشت بهشت» آمده است. /امیرخسرو در آخرین داستان «هشت بهشت»، ماجرای سلطانی را بیان می‌کند که چهار زن زیبا را در چهار سرای جداگانه منزل می‌دهد. سه تای این زنان بی‌وفا و عهدشکن هستند، اما در ظاهر امر، تظاهر به پارسائی می‌کنند. درونمایه داستان پیمان‌شکنی زنان و تظاهر آنان به ستر و صلاح است.

شاه، در شب اول، به سراغ یکی از این لعبتان زیباروی بدعهد چینی می‌رود. زیباروی متظاهر بی‌وفا چون چشمش بر مجسمه‌ای رویین افتاد، روی خود را فرو پوشید که این پیکر نامحرم است!

زیر مقلع فرو نهفت جمال                      گفت نامحرم است این تمثال

(امیرخسرو، ۱۳۶۲: ۶۸۵)

اما در پس پرده، با «خربنده زنگی سرمستی» (همان: ۶۸۸) دوستی نامشروع داشت. زیباروی ملون و سست عهد دومی از تماس یافتن پوست قاقم با بدن خویش اظهار

ناراحتی می کند و قاقم را در حکم نامحرم می داند و حتی تا جایی پیش می رود که «آینه» را نامحرم می بیند:

چون صنم عکس شه در آینه دید	پادشاهی دگر معاینه دید
روی بنهفت کاین کدام کسست	کش بدیدار چون منی هوسست
در چنین روی کز مهی کم نیست	جز تو عکس تو نیز محرم نیست

(همان: ۶۸۶)

او در نهران با ساربانان دوستی نامشروع داشت.

زن بدعهد سومی نیز در بهشت هشتم/میرخسرو، در نزد شاه از روی تظاهر از وی می خواهد تا «ماهیان» را در آتش افکند زیرا ماهیان نامحرم وی را می بینند!

کاین همه ماهیان در آتش ریز  
که نگه می کنند در من تیز

(همان: ۶۸۸)

طوطی در حکایت شب بیست و دوم می آورد که صیادی برای «بکر ماکر» حاکم شهر - که هشتاد و سه زن داشت - چند ماهی تحفه آورد. ماهیان تا چشمشان به همسرشاه افتاد خندیدند... ماشاء الله ستر خنده ماهیان بازگفت و خیانت تمامی همسران شاه را، راز خنده تمسخرآمیز ماهیان دانست...» (الثغری، ۱۳۸۵: ۲۸۳).

میرخسرو در آخرین روایت «هشت بهشت»، بی وفایی و فریب را از خلق و خوی زنان می داند:

خوی آن پادشاه بود چنان	کز عروسان کشیده داشت عنان
خوانده بوداز کتاب دانایان	که ندارد فریشان پایان
خویشان خالی از جفا نبود	در دل سختشان وفا نبود

(امیرخسرو، ۱۳۶۲: ۶۸۲)

در اغلب روایت «جواهر الأسمار» راوی می گوید: «زنان را نیرنگها بسیار باشد و ازین جنس فتنهها بی شمار بود» (الثغری، ۱۳۸۵: ۷۵).

طوطی در افسانه شب سوم، پیمان شکنی را مذمت و ملامت می کند. او محبتی را کامل می داند که آدمی با وفاداری آن را به پایان برد و از دوستی و عشق «نیمه کاره» نهی می کند و برحذر می دارد: «عشق نباید نیمه کاره و خام رها شود.» (الثغری، ۱۳۸۵:

۸۲). وی گویی با تعریض و کنایه می‌خواهد «ماه شکر» را که مصمم بر پیمان شکنی است، هشدار دهد و متنبه سازد. وقتی از وفاداری «ماه شکر» ناامید می‌گردد بی‌وفایی را صفت همه انسان‌ها برمی‌شمارد و به همه آدمیان تسری می‌دهد: «بنیاد آدمی بر بی‌وفایی است» (همان: ۶۱).

از دیدگاه النغری، گام مهم در عشق، پاسداری از پیمان و وفاداری به عهد است. حفظ عفت و پاکدامنی مهم‌ترین نکته‌ای است که در سرتاسر افسانه‌های «جواهر الأسمار» به آن توجه شده است. وی تنها به عشق حلال که از راه مشروع و با رعایت آداب و رسوم جامعه به وصال منتهی شود، اعتقاد دارد. سراسر افسانه بر اساس همین وفاداری و عشق پاک بنا شده است.

### پیکرگردانی در جواهر الأسمار و هشت بهشت

پیکرگردانی، تغییر شکل، ماهیت، طبیعت و نهاد موجودات حقیقی یا خیالی و به عبارتی دیگر استحاله، مسخ و دگردیسی است که معنای دیگر آن تغییر شکل ظاهری و ساختمان و اساس هستی و هویت قانونمند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماورای طبیعی است.

اصطلاح «پیکرگردانی» در زبان فرنگیان به Transformation و Metamorphoses تعبیر شده است، و معنای آن تغییر شکل ظاهری و ساختمان و اساس هستی و هویت قانونمند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراء طبیعی است که امری غیر عادی و فراتر از توان انسان‌های معمولی است. در این حالت شخص یا شیء از حالتی به حالتی دیگر تغییر می‌یابد و صورتی دیگر پیدا می‌کند که این صور می‌تواند هم در ظاهر آشکارا دیده شود و هم در نهان پدیدار شود و آثار شگفت و بنیادین داشته باشد (رستگارفسایی، ۱۳۸۳: ۱۰). «پیکرگردانی از جمله امور خارق العاده و اعجاب انگیز و یکی از ویژگی‌های مهم قصه‌ها و داستان‌ها است که برای گروهی گفتن قصه‌ای هیجان‌انگیز فی نفسه هدف است آن‌ها از آوردن رخداد‌های نامحتمل یا حتی خیالی در اثر خود ابایی ندارند» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۰). از میان داستان‌های طوطی‌نامه ۳۵ مورد با حوادث خارق العاده همراه است و ۶۵ مورد فاقد این ویژگی است. بیش‌تر این حوادث بر محور

شخصیت‌ها می‌چرخد و غالباً به نوعی با حیوانات و اشیا گره می‌خورد. در افسانه شب چهل و نهم، طوطی روایت می‌کند که یکی از هنرهای رای بکرماجت، «نقل روح است که از قالب خویش در کالبد حیوانی مرده کرده آید» (الثغری، ۱۳۸۵: ۵۲۹). در همین افسانه وزیرزاده، خود را به شکل مگس درمی‌آورد و مجدد «از صورت مگس برخلقت خویش شد» (همان: ۵۲۹). وزیر زاده مدام این عمل را در همین افسانه تکرار می‌کند: «وزیر زاده مگسی شد و زمانی پرواز نمود و باز آدمی گشت» (همان).

در ادامه همین افسانه «بکر ماجت» خود را به شکل آهوی درمی‌آورد: «بکرماجت... آهوی که صید کرده بودند، جان خود را در تن او در آورد و دویدن گرفت...» (همان). / امیرخسرو در منظومه «هشت بهشت»، در داستان سومین گنبد و در بهشت چهارم، تحت تأثیر حکایات «جواهر الأسمار» داستان فوق را نقل می‌کند. او نقل می‌کند که در هند فرمانروایی عادل بود:

بود فرماندهی به هندوستان  
شهر و کشور ز عدل او بستان  
هرچه در خسروی بکار بود  
که بدان ملک را قرار بود  
(امیرخسرو، ۱۳۶۲: ۶۲۷)

مسافری از راه می‌رسد و وقتی با او سخن از ناگزیری و چاره‌ناپذیری مرگ می‌رود، خنده‌ای می‌زند. شاه از علت خنده می‌پرسد و سرانجام مسافر اقرار می‌کند که بر نقل روح از کالبد خویش به کالبد دیگر قادر است و این کار را در حضور شاه انجام می‌دهد. شاه خواستار آموختن این هنر می‌شود و مسافر آن را بدو می‌آموزد لیکن همین امر موجب بدبختی و سرگردانی شاه می‌شود. او که تاب نگاهداری این راز را نداشته آن را به وزیر خویش بروز می‌دهد و راه کار را بدو می‌آموزد. وزیر که در نهان دشمن شاه بوده، روزی وی را به بیرون آمدن از کالبد خویش تشویق می‌کند و چون شاه چنین کرد وزیر از قالب خویش درآمده به کالبد شاه می‌رود و شاه را در قالب آهوئی سرگشته بر جای می‌گذارد.

### مشورت در امور

الثغری در کتاب «جواهر الأسمار» بر لزوم مشورت در امور پافشاری می‌کند. او معتقد است مشورت در کارها موجب می‌گردد تا پایان کارها به نیکی ختم گردد: «مشورت در

مهمات و مصالح بغایت پسندیده و مبارک است و نص محکم کتاب که: «وَشَاوِرْهُمْ فِی الامر»، بر حضرت رسالت به این جهت وارد شد. چه هر که در بحر تشاور غواصی کند و به دریای فکرت غوطه زندو کان تفکر بکارد، هر آینه گوهرهای فایده به دست آرد و عاقبتش لعل مراد به کنار آید و خواتم کارها به نیکی و خوبی انجامد...» (الثغری، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

امیر خسرو در منظومه «هشت بهشت» می‌کوشد تا حاکم را به مشورت تحریض کند. او شاه را ترغیب می‌کند که در هنگام جنگ با جوانان باشد، اما برای مشاوره از «پیران» بهره بگیرد. امیر خسرو «تجربه» را می‌ستاید و به همین دلیل هم توصیه می‌کند که با افراد مجرب مشورت کنید:

در صف رزم با جوانان پوی  
لیک تدبیر آن ز پیران جوی  
گرچه برنا برزم کارگر است  
کوشش کاردیدگان دگر است  
(امیر خسرو، ۱۳۹۰: ۵۸۵)

### حکایت زن پارسای امیر خسرو و جواهر الأسمار

در کتاب «جواهر الأسمار»، در داستان شب پنجاهم داستان زنی پارسا به نام «خورشید» آمده است که «حسنی بی حد و لطفی بی عد داشت... صلاحی بی نهایت و عفاف بی غایت...» (الثغری، ۱۳۸۵: ۳۳۶). همه تلاش دارند تا «چشمه پاک را به لوث بطالت آلوده گرداند...» (همان: ۳۳۷) اما این زن بر پارسائی اصرار دارد.

نکته در خور توجه این است که در میان اغلب داستان‌های «جواهر الأسمار» که لبریز از مکر و کید زنان است و بارها از بی وفایی آنان سخن رفته است. داستان «زن پارسا» یکی از عجیب‌ترین داستان‌های این اثر است. موضوع اصلی کتاب «جواهر الأسمار» در باب زنی به نام ماه شکر است که در غیبت شوهرش مصمم به پیمان شکنی است. اما در حکایت زن پارسا، او که زنی بسیار زیباست تلاش دارد تا در برابر هواهای نفسانی دیگران همچنان پارسا بماند.

امیر خسرو دهلوی هم حکایت زن پارسا را نقل می‌کند و می‌گوید که شاهی از بالای قصر به هر سو نظر می‌کند و «بتی» را در پای دیوار می‌بیند:

تاجوری از سر قصری بلند  
پیش و پس شهر نظر می‌فکند

دید بتی در ته دیوار قصر  
زهره شکاف همه خوبان عصر  
شاه که آن دید قرارش نماند  
قاعده صبر بکارش نماند  
(امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۱۳۷)

شاه تلاش دارد تا زن پارسا را به سوی خود کشد اما زن بر پاکدامنی اصرار دارد:  
کرد بت از پاکی دامان خویش  
دامن خود پرده سامان خویش  
رفت پس پرده بسی گفتگوی  
کام نیامد، بسوی کام جوی  
(همان: ۱۳۷)

شاه اصرار بر دوستی و عشق ورزی دارد، اما زن پارسا رضا نمی‌دهد. زن، از شاه می‌خواهد تا بگوید عاشق کدام یک از اعضای بدن وی است:  
چیست درین تن که بچشمت نکوست  
کز کشش سینه گرفتیش دوست؟  
(همان: ۱۳۷)

شاه پاسخ می‌دهد که عاشق چشمان وی است:  
کرد ملک دیده حسرت بر آب  
گفت دو چشم تو ز من برد خواب  
(همان: ۱۳۷)

زن پارسا در اقدامی شگفت دو چشم خود را بیرون می‌آورد و به عنوان هدیه، برای شاه می‌فرستد تا دامان پارسائی وی را آلوده نسازد و با این ترفند از شر هواهای نفسانی شاه رها می‌شود:

ای که توئی دیده خسرو به نور  
باش برین گونه به عصمت صبور  
(همان: ۱۳۸)

### نتیجه بحث

در منظومه عاشقانه «هشت بهشت»/امیرخسرو دهلوی، سروده‌ها و ابیات فراوانی را می‌توان یافت که به حکایات «جواهر الأسمار» مانده است. به نظر می‌رسد که/امیرخسرو کتاب «جواهر الأسمار» را مطالعه کرده و در دسترس داشته است. یا حداقل منبع/امیرخسرو و الثغری، در نقل حکایات یکسان بوده است. در «جواهر الأسمار» و «هشت بهشت» یک داستان اصلی و چندین حکایت فرعی (اپی زود) دارند. این طرز

داستان‌سرایی، یعنی آوردن داستانی در درون داستان دیگر از شبه قاره هند نشأت گرفته و کتاب‌های متعددی بر این روال نوشته شده است.

به طور کلی، در داستان «جواهر الأسمار» و «هشت بهشت» زنان نقش بسیاری ایفا می‌کنند و به نوعی محور حوادث هستند. بن‌مایه مکر زنان در اغلب روایات هر دو اثر دیده می‌شود.

لازم به یادآوری است که هم در کتاب «جواهر الأسمار» و هم در منظومه «هشت بهشت»، غدر و مکر زنانه مذمت شده و بر ستر و پاکی و عفاف تأکید بسیار شده است.

#### جدول شماره ۱: مضامین مشترک جواهر الأسمار و هشت بهشت

نام اثر	متغیر	متغیر	متغیر	متغیر
جواهر الأسمار	مذمت افشای سرّ	لزوم وفای به عهد	مشورت در امور	پیکرگردانی
هشت بهشت	مذمت افشای سرّ	تأکید بر وفاداری	مشورت با پیران	حلول روح

## کتابنامه

- اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم علی. ۱۳۸۵ش، **مجموعه رسایل عرفانی**، تهران: دانشگاه تهران.
- اسکولز، رابرت. ۱۳۸۳ش، **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: آگاه.
- امیر خسرو دهلوی. ۱۳۶۲ش، **خمسه**، تصحیح امیراحمد اشرفی، تهران: شقایق.
- امیر خسرو دهلوی. ۱۳۹۰ش، **هشت بهشت**، تصحیح حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو، تهران: نشر چشمه.
- امیر خسرو دهلوی. ۱۸۷۳م، **هشت بهشت**، هندوستان: لکنهو.
- امیر خسرو دهلوی. ۱۹۱۸م، **هشت بهشت**، هندوستان: علیگره.
- امیر خسرو دهلوی. ۱۹۶۶م، **شیرین و خسرو**، مسکو: انستیتوی ملل آسیا.
- امیر خسرو دهلوی. ۱۹۷۲م، **هشت بهشت**، تصحیح جعفر افتخار، چاپ مسکو.
- آذر، امیر اسماعیل. ۱۳۸۷ش، **ادبیات ایران در ادبیات جهان**، تهران: سخن.
- بهار، محمد تقی. ۱۳۶۹ش، **سبک شناسی**، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
- تقوی، محمد. ۱۳۷۶ش، **بررسی حکایت‌های حیوانات**، چاپ اول، تهران: روزنه.
- الثغری، عماد بن محمد. ۱۳۸۵ش، **طوطی نامه (جواهر الأسمار)**، به اهتمام شمس الدین آل احمد، چاپ اول، تهران: فردوس.
- رستگار فسایی، منصور. ۱۳۸۳ش، **پیکرگردانی در اساطیر**، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاض، محمد. ۱۳۶۶ش، **دیبچه دواوین امیر خسرو دهلوی**، اسلام‌آباد: مجله دانش.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۵۴ش، **نقد ادبی**، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۶۹ش، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: نشر فردوس.
- عطار، فریدالدین. ۱۳۸۹ش، **الهی نامه**، تهران: انتشارات نیک فرجام.
- غنیمی هلال، محمد. ۱۳۸۲ش، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه: سید مرتضی شیرازی، تهران: نشر رضوی.
- کفافی، محمد عبدالسلام. ۱۳۸۲ش، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه: سیدحسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- محبوب، محمدجعفر. ۱۳۸۲ش، **ادبیات عامیانه ایران**، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: نشر چشمه.
- ولتون، دومینک. ۱۳۸۷ش، **جهانی‌سازی دیگر با کتاب‌شناسی و نمایه موضوعی**، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- همایی، جلال‌الدین. ۱۳۸۹ش، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چاپ اول، تهران: اهورا.



## کتب انگلیسی

Richardson, Samuel (1962) Pamela or Virtue Rewarded, volumes:2, London, Everyman's library.

## مقالات

- بهروز، سیده زیبا. ۱۳۹۳ش، «پدیدارشناسی غنا در اشعار نظامی و امیر خسرو (با تکیه بر منظومه لیلی و مجنون)»، فنون ادبی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۵۶.
- خلیل، محمدابراهیم. ۱۳۲۳ش، «امیر خسرو بلخی مشهور به دهلوی»، مجله آریانا، شماره ۱۹، صص ۴۹-۵۱.
- ذبیح نیا عمران، آسیه. ۱۳۹۴ش، «مآخذ داستان‌ها و افسانه‌های جواهر الأسمار»، مجله پژوهش ادبی و بلاغی دانشگاه پیام نور مشهد، دوره ۳، شماره ۴، صص ۲۲-۳۴.
- ذبیح نیا عمران، آسیه. ۱۳۹۵ش، «پیکرگردانی در افسانه‌های جواهر الأسمار»، مجله فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۴، شماره ۸، صص ۷۲-۹۰.
- ذبیح نیا عمران، آسیه. ۱۳۹۵ش، «شرایط عشق و صفات عاشق و معشوق در جواهر الأسمار»، مجله ادب غنایی، دوره ۱۳، شماره ۲۴، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- زرین کوب، عبدالحسین. مهر ماه ۱۳۵۴ش، «امیر خسرو دهلوی شاعر و منتقد»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۴، صص ۱۹-۲۵.
- مجتبایی، فتح الله. فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۴ش، «حافظ و خسرو»، مجله آینده، سال ۱۱، شماره ۳-۱، صص ۴۹-۶۹.
- محبوب، محمدجعفر. بهار ۱۳۵۷ش، «هشت بهشت و هفت پیکر»، مجله ایران‌نامه، شماره ۱، صص ۳۴۶-۳۸۷.
- معین، محمد. ۱۳۳۱ش، «امیر خسرو دهلوی»، مجله مهر، شماره ۱، صص ۲۵-۳۲.
- ممتحن، مهدی و محبوبه مسلمی زاده. ۱۳۹۴ش، «بررسی تطبیقی پارسا زن عطار و هزار و یک شب بوکاجیو»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۸۱-۹۷.
- ناصح، مهدی و سوسن یزدانی. بهار ۱۳۹۲ش، «حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الأنوار امیر خسرو»، نشریه ادبیات تعلیمی دهقان، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۲۵-۵.
- نبی‌لو، علیرضا و منوچهر اکبری. ۱۳۸۶ش، «تحلیل عناصر داستانی طوطی‌نامه»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۴۱-۱۶۳.
- نفیسی، سعید. ۱۳۰۸ش، «امیر خسرو دهلوی (ادبیات فارسی در هندوستان)»، مجله ارمغان، شماره ۸-۹، صص ۵۶۶-۵۷۷.

یاری، سیاوش و مسلم سلیمانیان. ۱۳۹۵ش، «جایگاه امیر خسرو در تاریخ‌نگاری هند». پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال ۶، ش ۲۲، تابستان، صص ۱۲۵-۱۵۲.

یدی، نرگس و عباسعلی وفایی. ۱۳۹۲ش، «ریخت شناسی و عناصر زینتی عرفانی اشعار امیر خسرو دهلوی»، مجله زیبایی شناسی ادبی، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۲۳-۳۷.

### **Bibliography**

- Akhgar Hyderabad, Mirza Qasem Ali. 2006, Collection of Mystical Essays, Tehran: University of Tehran.
- Scholes, Robert. 2004, An Introduction to Structuralism in Literature, translated by Farzaneh Taheri, Tehran: Agah.
- Amir Khosrow Dehlavi. 1983, Khamseh, edited by Amir Ahmad Ashrafi, Tehran: Shaghayegh.
- Amir Khosrow Dehlavi. 2011, Hasht Behesht, edited by Hassan Zolfaghari, Parviz Aristotle, Tehran: Cheshmeh Publishing.
- Amir Khosrow Dehlavi. 1873, Hasht Behesht, India: Laknahu.
- Amir Khosrow Dehlavi. 1918, Hasht Behesht, India: Aligareh.
- Amir Khosrow Dehlavi. 1966, Shirin and Khosrow, Moscow: Institute of Asian Nations.
- Amir Khosrow Dehlavi. 1972, Hasht Behesht, edited by Jafar Iftikhar, Moscow Press.
- Azar, Amir Ismail. 2008, Iranian Literature in World Literature, Tehran: Sokhan.
- Bahar, Mohammad Taqi 1990, Stylistics, Volume 3, Tehran: Amirkabir.
- Taqawi, Muhammad 1997, Animal Stories Review, First Edition, Tehran: Rozaneh.
- Al-Saghari, Imad bin Muhammad 2006, Tuti Nameh (Jawaher Al-Asmar), by Shamsuddin Al-Ahmad, first edition, Tehran: Ferdows.
- Rastegarfasaei, Mansour. 2004, Configuration in Myths, First Edition, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Riyaz, Mohammad 1987, Introduction to Amir Khosrow Dehlavi, Islamabad: Danesh
- Zarrinkub, Abdolhossein, 1975, Literary Criticism, Tehran: Amirkabir.
- Safa, Zabihollah, 1990, History of Literature in Iran, Tehran: Ferdows Publishing.
- Attar, Fridaddin 2010, Elahinameh, Tehran: Nik Farjam Publications.
- Ghanimi Helal, Mohammad 2003, Comparative Literature, translated by Seyed Morteza Shirazi, Tehran: Razavi Publishing.
- Kafafi, Muhammad Abdul Salam 2003, Comparative Literature, translated by Seyed Hossein Seyed, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Mahjoub, Mohammad Ja'far 2003, Iranian Folk Literature, by Hassan Zolfaghari, Tehran: Cheshmeh Publishing.
- Welton, Dominic. 2008, Another Globalization with Bibliography and Thematic Index, translated by Abdolhossein Nikooghar, Tehran: Farhang Moaser
- Homayi, Jalaluddin 2010, Rhetoric Techniques and Literary Crafts, First Edition, Tehran: Ahura.
- English books**
- Richardson, Samuel (1962) Pamela or Virtue Rewarded, volumes:2, London, Everyman's library.

#### Articles

- Behrooz, Seyedeh Ziba. 2014, "Phenomenology of Ghana in Nezami and Amir Khosrow's poems (based on Leily and Majnoon's poems)", *Literary Techniques*, Volume 6, Number 1, pp. 143-156.
- Khalil, Mohammad Ibrahim 1323 AH, "Amir Khosrow Balkhi known as Dehlavi", *Ariana Magazine*, No. 19, pp. 49-51.
- Zabihnia Imran, Asiyeh. 2015, "Sources of stories and legends of Jawahar al-Asmar", *Journal of Literary and Rhetorical Research*, Payame Noor University of Mashhad, Volume 3, Number 4, pp. 22-34.
- Zabihnia Imran, Asia. 2016, "Sculpture in the Legends of Jawahar al-Asmar", *Journal of Popular Culture and Literature*, Volume 4, Number 8, pp. 72-90.
- Zabihnia Imran, Asiyeh. 2016, "Conditions of love and attributes of lover and beloved in Jawaher Al-Asmar", *Journal of Lyrical Literature*, Volume 13, Number 24, pp. 117-132.
- Zarrinkub, Abdolhossein, . October 1975, "Amir Khosrow Dehlavi, poet and critic", *Journal of the Faculty of Literature*, University of Tehran, No. 4, pp. 19-25.
- Mujtabaei, Fathullah, April and May 1985, "Hafez and Khosrow", *Ayandeh Magazine*, Year 11, No. 1-3, pp. 49-69.
- Mahjoub, Mohammad Ja'far, Spring 1978, "Hasht Behesht and Haft Peikar", *Irannameh Magazine*, No. 1, pp. 346-387.
- Moein, Mohammad 1952, "Amir Khosrow Dehlavi", *Mehr Magazine*, No. 1, pp. 25-32.
- Momtahn, Mehdi and Mahboubeh Moslemizadeh. 2015, "Comparative study of Parsa Zan of Attar and Hezaro Yek Shab of Bukachiyo", *Comparative Literature Studies*, Year 9, No. 36, pp. 81-97.
- Naseh, Mehdi and Susan Yazdani. Spring 2013, "Educational anecdotes and its functions in Matla Al-Anvar of Amir Khosrow", *Journal of Dehghan Educational Literature*, Volume 5, Number 17, pp. 5-25.
- Nabiloo, Alireza and Manouchehr Akbari. 2007, "Analysis of the Fictional Elements of Tutinameh", *Quarterly Journal of Literary Research*, Volume 5, Number 18, pp. 141-163.
- Nafisi, Saeid 1929, "Amir Khosrow Dehlavi (Persian literature in India)", *Armaghan Magazine*, No. 8- 9. pp. 566-577.
- Yari, Siavash and Moslem Soleimanian. 2016, "Amir Khosrow's position in the historiography of India", *Journal of Islamic History*, Volume 6, Issue 22, Summer, pp. 125-152.
- Yedi, Narges and Abbas Ali Vafaei. 2013, "Morphology and Mystical Ornamental Elements of Amir Khosrow Dehlavi's Poems", *Journal of Literary Aesthetics*, Volume 5, Number 18, pp. 23-37.

**A comparative study of the themes of the lyrical poem "Hasht Behesht" by Amir Khosrow Dehlavi and "Jawaher Al-Asmar" by Al-Saghari**

**Asieh Zabih Nia Emran**

Associate Professor of Payame Noor University

**Abstract**

Amir Khosrow Dehlavi (651-725 AD) is one of the famous Persian mystics of India in the second half of the seventh century and the early eighth century. In Masnavi, he is a subordinate of Nezami Ganjavi. One of Amir Khosrow's Masnavi which imitating "Haft Peykar" of Nezami has written the poem "Hasht Behesht". In compiling the anecdotes of "Hasht Behesht", he referred to the book "Jawaher Al-Asmar" by Emad Ibn Muhammad Al-Saghari. Amir Khosrow has quoted several anecdotes of "Hasht Behesht" from the book "Jawaher Al-Asmar" and even in many parts of the text of "Hasht Behesht", he has borrowed and adapted the phrases and sentences of this work. The book "Jawaher al-Asmar" contains a hundred stories that are told in the language of parrots for fifty-two nights to prevent a young business woman from betraying her husband. Most of the anecdotes and legends of "Jawaher al-Asmar" and "Hasht Behesht" are based on women's ruse. Part of the theme of the anecdotes is the effect of women's breaking the treaty and pretending to veil. Considering that the book "Jawaher al-Asmar" is one of the most important models of Amir Khosrow's work in "Hasht Behesht" and that both works have been compiled in India, they have many things in common. The present article tries to examine the common themes of both lyrical works.

**Keywords:** Jawaher al-Asmar, Al-Saghari, Amir Khosrow Dehlavi, Hasht Behesht.